

راه بیرون رفت از بحران دیگری در افغانستان با خروج نیرو های بین المللی

با نزدیک شدن کنفرانس های استانبول و بن دوم برای بحث و تصمیم در باره صلح و ثبات افغانستان و نگرانی های کشور های همسایه و خروج قوای بین المللی از افغانستان تا سال ۲۰۱۴ نظریات روی جهات گوناگون و پی آمد های آن هر روز داغتر شده می رود.

گروهی فشار می آورند که طالبان نیز باید درین کنفرانس ها سهمی داشته باشند و گروه دیگر بشمول ایالات متحده و حکومت افغانستان تأکید دارند که طالبان نباید اشتراک داشته باشند و برخی هم به این عقیده هستند که اگر طالبان خواستار اشتراک درین کنفرانس هستند باید عملیه صلح را بپذیرند و آنگاه بحیث جزئی از هیات افغانستان در کنفرانس بن دوم اشتراک کرده می توانند ولی همانطوریکه در مقاله قبلی ام به آن اشاره کردم داکتر سپینا مشاور امنیت ملی افغانستان میگوید تا هنوز مذاکراتی با مفهوم و با معنی با طالبان صورت نگرفته.

همه این تلاش ها برای طرح ستراتیژی خروج عساکر ایالات متحده از افغانستان بعمل می آید تا ایالات متحده بتواند با اطمینان و آبرو مندانه از افغانستان خارج شود و میکانیزمی را درین کشور در هم ریخته بجا گذارد که بار دیگر لانه عملیات دهشت افگانه و جنگ های داخلی نگردد که بعد از سال ۱۹۹۲ جهان شاهد آن بود و اثرات آن نه تنها امنیت منطقه را تهدید کرده بلکه بر امنیت سراسر جهان تاثیر منفی داشته است.

از جانب دیگر خروج عاجل قوای ایالات متحده از افغانستان و بدون بجا گذاشتن نظام و ترتیبی که هم کار آمد و مورد اعتماد مردم افغانستان و منطقه باشد و هم از پشتیبانی کشور های منطقه و جهان بهره مند باشد نه تنها دردی را دوا نخواهد کرد بلکه زمینه ترغیب و تشویق سایر گروه ها مخصوصاً افراطیون اسلامی را فراهم خواهد ساخت که با پیروی از تفکر طالبانی و القاعده به انتظار انکشافاتی در افغانستان هستند تا از آن بحیث نماد ستراتیژی های آینده شان در نقاط مختلف جهان بشمول منطقه استفاده نمایند و بار دیگر بر نا کامی جامعه بین المللی در افغانستان بخندند و فعالیت های دهشت افگانه شانرا توجیه نمایند.

صاحب نظران و متفکرین و طراحان سیاسی در ایالات متحده با تجاربی که در سی سال گذشته از سیاست های شان در رابطه با افغانستان و منطقه ماحول آموخته اند و با در نظر داشت منافع ملی و ستراتیژیک شان از مدتهاست مشغول جمع آوری نظریات و ارائه طرح ها و پیشنهادهای در نشرات و رسانه های گروهی در ایالات متحده هستند. نظریات برخی از این صاحب نظران از اهمیت خاص بر خوردار است، مخصوصاً آنانیکه سالهای سال در دستگاه های حکومت و سازمانهای تحقیقی و مشورتی مستقل و پوهنتون ها اشتغال داشته اند.

هنری کیسینجر وزیر خارجه سابق ایالات متحده و مؤلف چندین اثر، یکی از سیاستمداران کهنه کاری است که نظریات او در طرح سیاست خارجی ایالات متحده و ستراتیژی های این کشور حایز اهمیت است. فرقی نمیکند که جمهوری خواهان در قدرت هستند و یا دموکراتها. هنری کیسینجر در هفتم جون امسال نظری تحت عنوان " چگونه میتوان از افغانستان بدون ایجاد معضله گسترده تر خارج شد" نشر نمود.

هنری کیسینجر با استناد این نظر پرسی که هفتاد فی صد مردم امریکا عقیده دارند که ایالات متحده باید از افغانستان خارج شود می نویسد که گفت و شنود هایی تحت نظر جرمنی بین نمایندگان ملا محمد عمر و مامورین ایالات متحده جریان دارد و اکثر ناظرین آنرا آغاز خروج می پندارند ولی به عقیده کیسینجر این آزمون پیشروی ایالات متحده قرار دارد که چگونه این مساعی را بنحوی به نتیجه برسانیم بستری برای معضله و جنگ وسیعتری ایجاد نکنیم. هنری کیسینجر برای مذاکراتی که به یک ستراتیژی ماندگار مبدل شود چهار شرط را می گذارد: آتش بس/ خروج تمام و یا اکثر قوای ایالت متحده و متحدین/ تشکیل یک حکومت ائتلافی و یا تقسیم قلمروها بین جناح های رقیب (ویا هر دو) و یک میکانیزم و ترتیبات انفاذی.

او معتقد است که ترتیبات انفاذ این مواد یکی از مهمترین عناصر و مشکلترین برای تداوم آنست و با نبود چنین ترتیباتی مذاکره با طالبان / که قوای آنها با خروج قوای ایالات متحده باقی خواهند ماند / ترتیباتی برای اضمحلال و فروپاشی خواهد بود.

به عقیده هنری کیسینجر پیچیدگی ستراتیژی خروج ایالات متحده از افغانستان بدلیل کشیدگی مناسبات ایالات متحده با ایران و پاکستان جوانب متعددی دارد و اگر منافع آنها در افغانستان تا حدودی به منافع ایالات متحده در افغانستان ربط نگیرد افغانستان تحت تهدید مداوم قرار خواهد داشت. بدون یک موافقتنامه پایدار و تاب آوردنی که نقش امنیت منطقوی افغانستان را تعریف و تعیین کند/ هر یک از همسایگان عمده افغانستان جناح های رقیب را بر اساس تعلقات نژادی و فرقی پشتمانی خواهند کرد و این نسخه ایست برای جنگ وسیعتر و افغانستان نقشی را خواهد داشت که حوزه بالقان قبل از جنگ اول جهانی داشت.

طوریکه از ورای نشرات گروهی و نظریات و تبصره های آگاهان سیاسی از داخل افغانستان بر می آید تا کنون اجندای معین و مشخصی مخصوصاً برای کنفرانس بن دوم از طرف حکومت افغانستان طرح نگردیده و قرآن نشان میدهد که حکومت افغانستان هنوز هم در پی جمع آوری نظریات و جلب پشتیبانی حلقات مؤثر برای ترغیب طالبان به عملیه صلحی میباشد که تا کنون در سطح مشوره ها قرار داشته است چنانچه سفر دو روز قبل حامد کرزی به عربستان سعودی و مذاکرات آن با شاه عربستان مبین این حقیقت است.

درین شکی نیست که حل معضله افغانستان با پیچیدگی هائیکه دارد مستلزم تلاش ها و مساعی منطقوی و بین المللی میباشد که کنفرانس های استانبول و بن در همین راستاست. کنفرانس استانبول در اوایل نومبر دایر میشود و در آن همسایگان افغانستان اشتراک خواهند داشت و دیگری کنفرانس بن دوم به میزبانی جرمنی و رهبری افغانستان که در ماه دسمبر دایر میگردد. ولی از خلال اظهارات مامورین امریکائی و افغانستان چنین بر می آید که مخصوصاً در کنفرانس بن عملیه صلح مطرح میشود و بر جهات اقتصادی و برنامه های انکشاف اقتصادی از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۲۴ تأکید خواهد داشت. اما اگر به گفته داکتر کیسینجر وزیر خارجه سابق ایالات متحده میکانیزمی برای انفاذ فیصله ها از یک جانب و تعهداتی برای تطبیق آن از جانب همسایگان افغانستان وجود نداشته باشد/ این فیصله ها و توافقات جز یک سند روی کاغذ چیز دیگری نخواهد بود. ولی باز هم مشکل غرب با همسایگان افغانستان است که معضله افغانستان را دوامدار تر و پیچیده تر میسازد. ایران و پاکستان دو همسایه ایکه افغانستان از نگاه اقتصادی و تجاری با در نظر داشت راه های مواصلاتی و ترانزیتی به آنها محتاج است و از نگاه ارتباطات نژادی و مذهبی و سیاسی پشتیبانوانی در داخل افغانستان دارند به هیچ وجهی بدون اخذ امتیازاتی از غرب مخصوصاً مادی و سیاسی حاضر نخواهند شد به خواسته های جامعه بین المللی مخصوصاً ایالات متحده تن در دهند. مگر اینکه جامعه بین المللی فشار آورد و تعهدات از آنها اخذ و تهدید های تعزیری در صورت نقض تعهدات/ مشخص گردد.

شکی نیست که همسایگان افغانستان مانند همه کشورهای جهان نگرانی های مشروع در افغانستان دارند همان طوریکه افغانستان درین کشور ها چه از نگاه مصئونیت منافع و چه منافع تجاری و حضور ملیونها مهاجر درین دو کشور نگرانی های مشروع دارد. ولی این بدان معنی بوده نمیتواند که این کشور ها شرایط همزیستی را بدون در نظر داشت حاکمیت ملی/ منافع ملی/ استقلال کشور مقابل و احترام به تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی دیکته نمایند. صلح و ثبات و امنیت در افغانستان تأثیر مستقیم بر ثبات منطقوی و انکشاف اقتصادی منطقه دارد.

آنانیکه موجب بی ثباتی در افغانستان شدند و میشوند و در تقریباً سی سال گذشته جنگ های داخلی و نیابتی را دامن زدند امروز خود شان روزانه با بی ثباتی ها و خونریزی ها مواجه هستند و نتیجه بی ثبات ساختن افغانستان را می بینند. وقتی به تلفات و تخریبکاری ها در افغانستان بدقت نگریسته شود معلوم میشود که امروز این تلفات در ماورای سرحد افغانستان نسبت بداخل افغانستان بیشتر است و اگر باز هم همسایگان افغانستان بخواهند به پالیسی های ویران گر ایانه شان ادامه بدهند و به خواست مردم افغانستان و جامعه جهانی عمل نکنند نه تنها این خونریزی ها همچنان در قلمرو های خود شان دوام خواهد داشت بلکه مردم بیگناه خود شانرا قربانی خواهند.

پایان